

# اعلانِ جنگ

متن پیام امام خمینی به ملت ایران در سالگرد  
کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه ۵۹۸)

■ بعضی خواندنی‌ها را هر چه می‌خوانی، خواندنی‌تر می‌یابی. پیام قطعنامه‌ی حضرت امام علاوه بر داشتن این ویژگی، در خطوطی مختصر، تقابلات عالم را به تصویر می‌کشد و فلسفه‌ی اسلام ناب و ماموریت آن را تبیین می‌کند. پس از آن چرایی پذیرش قطعنامه را توضیح داده و از آن به عنوان شروع جنگی جدید یاد می‌کند. جنگی با مختصات جدید و برای آینده. جنگی با نوید پیروزی برای امت اسلامی...



## متن پیام امام خمینی به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه ۵۹۸)

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت ایران؛ «لقد صدق الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمين»<sup>۱</sup>

### ❦ یادآوری ماجرای سال گذشته‌ی کشتار حاجیان

علیرغم گذشت یک سال از کشتار فجیع و بی رحمانه‌ی حجاج بی دفاع و زائران مؤمن و موحد به وسیله نوکران آمریکا و سفاکان آل سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرتند. آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به خاک و خون کشیدن بهترین بندگان حق نه تنها حرم را، که جهان اسلام را آلوده به خون شهیدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزادار ساخت. مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم (علیه السلام) که ده ها بار از مصاف با جهانخواران و اذنان آنان برگشته بودند، در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند و بار دیگر آمریکا و آل سعود، بر خلاف راه و رسم آزادگی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی پناه ما کشته‌ها گرفتند، و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر نیمه جان سالخوردگان و بر دهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به سوی خانه خدا و

۱ سوره ی فتح، آیه ی ۲۷؛ حقا خدا رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید [که] شما بدون شک به خواست خدا با خاطری آسوده در مسجد الحرام درخواهید آمد.

خانه مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سال‌ها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند. انتقام از کسانی که همچون ابراهیم (علیه السلام) از بت شکنی بر می‌گشتند، شاه را شکسته بودند، شوری و آمریکا را شکسته بودند، کفر و نفاق را خرد کرده بودند. همان‌ها که پس از طی آن همه راه‌ها با فریاد «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا»<sup>۱</sup> پا برهنه و سر برهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا آمده بودند تا با آب زمزم، گرد و غبار سفر را از چهره بزایند، و عطش خویش را در زلال مناسک حج برطرف نمایند و با توانی بیشتر مسئولیت‌پذیر گردند، و در سیر و سیورت ابدی خود، نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز، لباس و حجاب پیوستگی و دلبستگی به دنیا را از تن به در آورند. همان‌ها که برای نجات محرومان و بندگان خدا راحتی راحت طلبان را بر خود حرام، و مُحَرَّم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها بنده‌ی زرخرد آمریکا و شوروی نباشند، که زیر بار هیچکس جز خدا نروند. آمده بودند که دوباره به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بگویند که از مبارزه خسته نشده‌اند و به خوبی می‌دانند که ابی‌سفیان و ابی‌لهب و ابی‌جهل، برای انتقام در کمین نشسته‌اند، و با خود می‌گویند: مگر هنوز لات و هُبَل در کعبه‌اند؟! آری، خطرناک‌تر از آن بت‌ها، اما در چهره و فریبی‌نو! آنها می‌دانند که امروز حَرَم، حَرَم است اما نه برای ناس، که برای آمریکا! و کسی که به آمریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زائرانی که همه ذرات وجود و همه حرکات و سکنات انقلابشان مناسک ابراهیم را زنده کرده است، و حقیقتاً می‌رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دلنشین لبیک، اللهم لبیک معطر سازد.

آری، در منطق استکبار جهانی هر که بخواهد برائت از کفر و شرک را پیاده کند متهم به شرک خواهد شد، و مفتی‌ها و مفتی‌زادگان، این نوادگان بلعم باعوراها، به قتل و کفر او حکم خواهند داد. بالاخره در تاریخ اسلام می‌بایست آن شمشیر کفر و نفاق که در لباس دروغین احرام یزیدیان و جیره خواران بنی‌امیه (علیهم‌اللعنه الله) برای نابودی و قتل بهترین فرزندان راستین پیامبر اسلام، یعنی حضرت ابی‌عبدالله الحسین -علیه السلام- و یاوران با وفای او، پنهان شده بود، مجدداً از لباس همان میراث خواران بنی‌سفیان به درآید و گلولی پاک و مطهر یاوران حسین (علیه السلام) را در آن هوای گرم، در کربلای حجاز و در قتلگاه حرم، پاره کند، و همان اتهاماتی را که یزیدیان به فرزندان راستین اسلام زدند و آنان را خارجی و ملحد و مشرک و مهدورالدم معرفی کردند، درست همان را به رهروان راه آنان وارد آورند، که انشاءالله ما اندوه دلمان را در وقت مناسب با انتقام از آمریکا و آل سعود برطرف خواهیم ساخت، و داغ و حسرتِ حلاوت این جنایت بزرگ را بر دلشان خواهیم

۱. سوره ی حج، آیه ی ۲۷

۲. از علمای بنی اسرائیل که در حق حضرت موسی بدی کرد و به مخالفت او برخاست.

نهاد، و با برپایی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق و آزادی کعبه از دست ناهلان و نامحرمان به مسجدالحرام وارد خواهیم شد. اما زائران کشورها که یقیناً با کنترل و ارباب دولت ها و حکومت‌های‌شان، به مکه سفر کرده اند، جای دوستان و برادران و حامیان و همسنگران واقعی خود را در میان خود خالی خواهند یافت.

### فلسفه حج

آل سعود برای پرده پوشی جنایات هولناک سال گذشته‌ی خود و همچنین توجیه «صدّ عن سبیل الله» و منع حُجاج ایرانی از ورود به حج، زائران را زیر بمباران شدید تبلیغات خود قرار خواهد داد، و آخوندهای درباری و مفتی‌های خودفروخته (لعنة الله علیهم) در کشورهای اسلامی، خصوصاً حجاز توسط رسانه ها و مطبوعات، دست به نمایش ها و سخنرانی ها زده و عرصه را بر تفکر و تحقیق زائران درباره فهم و درک فلسفه واقعی حج و نیز پی بردن به ماجرای از پیش طراحی شده شیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا، تنگ خواهند نمود و مسلم در چنین شرایطی رسالت زائران بسیار سنگین است. بزرگترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده اند، و حج با آن همه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بی حاصل و بی ثمر باقی مانده است. یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند. چیزی که تا به حال از ناحیه‌ی ناآگاهان و یا تحلیل گران مغرض و یا جیره خواران به عنوان فلسفه حج ترسیم شده است این است که حج یک عبادت دسته جمعی و یک سفر زیارتی - سیاحتی است. به حج چه! که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد و با چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه! که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند! به حج چه! که باید برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره اندیشی نمود! به حج چه! که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه! که مسلمانان را علیه حکومت های وابسته بشوراند. بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس! و حال آنکه حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است و حج تنها حرکات و اعمال و لفظ‌ها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی‌رسد.

حج، کانون معارف الهی است که از آن، محتوای سیاست اسلام را، در تمامی زوایای زندگی

باید جستجو نمود. حج پیام‌آور و ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. **حج، تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست.** و مناسک حج مناسک زندگی است و از آنجا که جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیوند خورد، و یکی گردد، و یدِ واحد شود. حج، تنظیم و تمرین و تشکیل این زندگی توحیدی است. حج، عرصه‌ی نمایش و آیین‌های سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. حج بسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند، ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی، اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است. و به همان اندازه‌ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال، در حجاب‌های خود ساخته‌ی ما، پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش، در دل خروارها خاک کج فکری‌های ما دفن و پنهان گردیده است، و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی‌ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر، تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است. سرنوشتی که میلیون‌ها مسلمان هر سال به مکه می‌روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می‌گذارند، ولی هیچکس نیست که از خود بپرسد ابراهیم و محمد - علیهماالسلام - که بودند؟ و چه کردند؟ و هدفشان چه بود؟ و از ما چه خواسته‌اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی‌شود به همین است. **مسلم، حج بی روح و بی تحرک و قیام، حج بی برائت، حج بی وحدت، و حجی که از آن، هدم کفر و شرک بر نیاید، حج نیست.** خلاصه، همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه‌های زندگیشان کوشش کنند، و محققان متعهد اسلام با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج، همه‌ی بافته‌ها و تافته‌های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند.

### ❧ دوگانه‌ی عالم

اما آنچه زائران عزیز باید بدانند اینکه، آمریکا و آل سعود، حادثه مکه را یک مبارزه‌ی فرقه‌ای و نزاع قدرت میان شیعه و سنی ترسیم نموده، و ایران و رهبران آن را به عنوان کسانی که هوس رسیدن به یک امپراتوری بزرگ را در سر می‌پروراند، معرفی می‌کنند تا بسیاری از کسانی که از مسیر حوادث سیاسی جهان اسلام و نقشه‌های شوم جهان‌خواران بی‌خبرند تصور کنند که فریاد برائت ما از مشرکین و مبارزه ما برای کسب آزادی ملت‌ها

در مسیر کسب قدرت سیاسی مان و گسترش قلمرو جغرافیای حکومت اسلامی است. البته برای ما و همه اندیشمندان و محققانی که از نیت پلید تشکیلات آل سعود باخبرند جای تعجب نیست که به ایران و حکومتی که از بدو پیروزی تا به حال فریاد وحدت مسلمین را سر داده است و در همه حوادث جهان اسلام خود را شریک غم و شادی مسلمانان می داند، تهمت افتراق و جدایی مسلمانان را بزنند، و یا بالاتر از آن، زائرانی را که به عشق زیارت مرقد پیامبر و حرم امن الهی به حجاز رفته اند به لشکرکشی و تشکل، برای تصرف کعبه و آتش زدن حرم خدا و تخریب مدینه‌ی پیامبر متهم نمایند! دلیل و مدرک این کار را حضور پاسداران و نظامیان و مسئولین کشورمان در مراسم حج ذکر کنند! آری، در منطق آل سعود، نظامی و پاسدار کشور اسلامی باید با حج بیگانه باشد، و اینگونه سفرها برای مسئولین کشوری و لشکری تعجب آور و توطئه انگیز می شود. از نظر استکبار، مسئولین کشورهای اسلامی باید به فرنگ بروند، آن‌ها را به حج چه کار! دست نشاندگان آمریکا، آتش زدن پرچم آمریکا را به حساب آتش زدن حرم، و شعار مرگ بر شوروی و آمریکا و اسرائیل را، به حساب دشمنی با خدا و قرآن و پیامبر گذاشته اند، و نیز مسئولین و نظامیان ما را با لباس احرام به عنوان رهبران توطئه معرفی کرده اند! واقعیت این است که دول استکباری شرق و غرب و خصوصا آمریکا و شوروی، عملا جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرت‌ها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملت‌ها را امری ضروری و کاملا توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین المللی می دانند. اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصا مسلمانان در آن محصور و زندانی شده اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد، همه قوانین و مقررات و فرمول‌ها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظام‌های دست نشاندگان و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود. و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها، جرم و گناهی نابخشودنی می‌دانند و منافع جهانخواران ایجاب می کند که هیچ کس، حق گفتن کلمه‌ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند، ندارد و از آنجا که مسلمانان جهان به علت فشار و حبس و اعدام، قدرت بیان مصیبت‌هایی را که حاکمان کشورشان بر آن‌ها تحمیل کرده اند را ندارند، باید بتوانند در حرم امن الهی مصایب و دردهایشان را با کمال آزادی بیان کنند تا سایر مسلمانان برای رهایی آنان چاره‌ای بیندیشند. لذا ما بر این مطلب پافشاری و اصرار می کنیم که مسلمانان، حداقل در خانه خدا و حرم امن الهی، خود را از تمامی قید و بندهای ظالمان آزاد ببینند و در یک مانور بزرگ از چیزی که از آن

**متنفرند اعلام برائت کنند و از هر وسیله‌ای برای رهایی خود استفاده نمایند.**

حکومت آل سعود، مسئولیت کنترل زائران خانه خدا را به عهده گرفته است و اینجاست که با اطمینان می‌گوییم که حادثه‌ی مکه جدای از سیاست اصولی جهانخواران در قلع و قمع مسلمانان آزاده نیست. ما با اعلام برائت از مشرکین، تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم، و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت و انشاءالله روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرت‌ها و نوکران و جیره خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند. کشتار زائران خانه خدا توطئه‌ای برای حفظ سیاست‌های استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - است و کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه جان اسلام و مسلمین دارد.

### ۳ اسلام آمریکایی

پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره های تزئیناتی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متأسفانه با سیاست‌های غلط حاکمان دست نشانده، به خاک مذلت نشسته اند. مگر مسلمانان جهان فاجعه قتل عام صدها عالم و هزاران زن و مرد فرقه های مسلمین را در طول حیات ننگین آل سعود، و نیز جنایت قتل عام زائران خانه‌ی خدا را فراموش می‌کنند؟ مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانون‌های فتنه و جاسوسی مبدل شده اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملاهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بی شعور حوزه های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه داران بر مظلومین و پابرنه‌ها، و در یک کلمه اسلام آمریکایی را ترویج می‌کنند، و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش، آمریکای جهانخوار، می‌گذارند. مسلمانان نمی‌دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و خادم الحرمین به اسرائیل اطمینان می‌دهد که ما اسلحه خودمان را علیه شما به کار نمی‌بریم! و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می‌کنند واقعاً چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با صهیونیست‌ها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر این‌ها یک جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند،

حاضر به یک چنین معامله کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن فروشی نمی شدند. آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم آور نیست؟ و تماشاچی شدن گناه و جرم نمی باشد؟ آیا از مسلمانان کسی نیست تا به پاخیزد و این همه ننگ و عار را تحمل نکند؟ راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی احساسات یک میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحنه بر آن همه فجایع صهیونیست ها بگذارند، و دوباره مصر و امثال آن را به صحنه بیاورند؟ حال، مسلمانان باور می کنند که **زائران ایرانی برای اشغال خانه خدا و حرم پیامبر قیام کرده اند و می خواهند کعبه را دزدیده به قم ببرند!** اگر مسلمانان جهان باور کرده اند که سران آن ها دشمنان واقعی آمریکا و شوروی و اسرائیل هستند، تبلیغات آنان هم در مورد ما را باور می کنند. البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می کنیم. ما درصدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده اند نابود کنیم، و نظام اسلام رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملت های دربند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باج خواهی و مصونیت کارگزاران آمریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می کنیم. انشاءالله ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با آمریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود و از خدا می خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ آمریکا و شوروی را به صدا درآوریم. مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه جهانخواران آفریده است احساس غرور و آزادی کنند، و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخم های خود مرهم گذارند، که دوران بن بست و ناامیدی و تنفس در منطقه کفر به سر آمده است، و گلستان ملت ها رخ نموده است و امیدوارم همه مسلمانان، شکوفه های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گل های محبت و عشق و چشمه سار زلال جوشش اراده خویش را نظاره کنند. همه باید از **مرداب و باتلاق و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست آمریکا و شوروی بر آن تخم مرگ و اسارت پاشیده اند، به در آییم و به سوی دریایی که مزمز از آن جوشیده است روانه شویم، و پرده کعبه و حرم خدا را که به دست نامحرمان نجس آمریکا و آمریکازاده ها آلوده شده است با اشک چشم خویش شستشو دهیم.**

### ﴿ مظلومیت همیشگی

مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجا که شما در سلطه بیگانگان، گرفتار مرگ تدریجی شده اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنند، و از وجود جوانان پرشور و شهادت طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند، استفاده نمایند. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید، بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید، که عزت و حیات در سایه مبارزه است و اولین گام در مبارزه اراده است و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصاً آمریکا را بر خود حرام کنید. ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است. دروازه‌های مدینه الرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبت‌مان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی شود. به سوی کعبه نماز می‌گزاریم و به سوی کعبه می‌میریم و خدا را سپاس می‌گزاریم که در میثاقمان با خدای کعبه پایدار مانده‌ایم و پایه‌های برائت از مشرکین را با خون هزاران هزار شهید از عزیزانمان بنیان نهاده‌ایم و منتظر هم نمانده‌ایم که حاکمان بی‌شخصیت بعضی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشگی تاریخ، محرومان و پا برهنگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی‌داریم. جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده جهان که علیرغم اختناق سیاسی حاکم بر آن‌ها، با ترتیب کنفرانس‌ها و مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها، پرده از اسرار جنایت بار آمریکا و آل سعود برداشتند، و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند تشکر می‌نماید. مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود، و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می‌آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل نکنند و لاقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر آمریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است، و باید چنگ و دندان ابرقدرت‌ها و خصوصاً آمریکا را شکست، و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت یا پیروزی. که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است، که انشاءالله خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاست‌های حاکم و ظالم جهان‌خواران، و نیز جسارت ایجاد داربست‌هایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید، و همه را از افول ذلت، به صعود عزت

و شوکت همراهی نماید.

بعضی افراد تا قبل از حادثه تلخ و شیرین حج در سال گذشته، فلسفه‌ی اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راهپیمایی برائت از مشرکین به خوبی درک نکرده بودند و از خود و دیگران سؤال می کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد مبارزه است، و اگر هم فریاد برائت از مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه استکبار می شود و چه بسا افراد ساده دلی تصور می کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهانخواران، نه تنها تاب تحمل اینگونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه‌ی حیات و تظاهرات و راهپیمایی خواهند داد! و دلیل این مدعا اجازه راهپیمایی هایی است که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می شود. ولی این مسئله باید روشن باشد که **آنگونه راهپیمایی ها هیچگونه ضرری برای ابرقدرت ها و قدرت ها ندارد.** راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راهپیمایی های برائت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و آمریکا ختم می شود و درست به همین جهت است که با کشتار دسته جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می شود، و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده دلان می فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و آمریکا نهاد. ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشا تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه کن شدن نظام های فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی نماها خواهد بود.

### ❧ تنگنای اقتصادی

و با اینکه بیشتر از یک سال از حماسه برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خون های پاک شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصانقاط عالم مشاهده می کنیم. حماسه‌ی مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می کند که این حماسه را چه کسانی سروده اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده اند که بی محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه‌ی صهیونیست ها مقاومت می کنند؟ آیا تنها آوای وطن گرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟! آیا از درخت سیاست بازان خود فروخته است، که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می ریزد؟! اگر این چنین بود، این ها که سال هاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده اند! شکی نیست که این آوای الله اکبر است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند. و این تحقق

همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود، فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و مرگ بر آمریکا، شوروی و اسرائیل گفت، و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد، او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید. آری، فلسطینی راه گم کرده‌ی خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فرو ریخت، و چگونه خون بر شمشیر، و ایمان بر کفر، و فریاد بر گلوله، پیروز شد، و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره «کوکب دریه» فلسطین از «شجره مبارکه لاشرقیه و لاغربیه»ی ما برافروخت و امروز به همان گونه که فعالیت های وسیعی در سراسر جهان، برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد و این تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است و حال آنکه معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما این ها را سرمایه های بالقوه انقلاب خود تلقی می کنیم و هم آن هایی که با مرکب خون، طومار حمایت از ما را امضا می کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیک می گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت.

**امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرنه ها و مرفهین بی درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده اند می بوسم، و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه های آزادی و کمال نثار می کنم و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می کنم؛ خداوند آثار و برکات معنوی شما را به جهان صادر نموده است، و قلب ها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است و شراره ی کینه ی انقلابی تان، جهان خواران چپ و راست را به وحشت انداخته است. البته همه می دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب سختی ها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم در آمد و خصوصا اقشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند، ولی آن چیزی که همه مردم ما، فراتر از آن را فکر می کنند مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در اینجا مجال ذکر همه ی آن ها نیست. آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد آمریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوها ی نفتی و کشتی ها و قایق ها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه**

خود و ایجاد بازی های سیاسی مجامع بین المللی مقاومت نکرده است؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه‌ی عراق به شهرها و موشکباران مناطق مسکونی و بمباران‌های مکرر شیمیایی عراق، در ایران و حلبچه، مقاومت نکرده است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرال‌ها و زراندوزی و احتکار سرمایه‌داران و حيله مقدس‌مابان مقاومت نکرده است؟ آیا همه‌ی این حوادث و جریان‌ات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است؟ که اگر نبود حضور مردم، هر یک از این توطئه‌ها می‌توانست به اصول نظام ضربه بزند. که خدا را سپاس می‌گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه‌ها را ترک نگوید.

### 🔗 مبارزه و رفاه!

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست، و آن‌ها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان، با سرمایه داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد، با الفبای مبارزه بیگانه‌اند. و آن‌هایی هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی درد، با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند، آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. و تنها آن‌هایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت، گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بی خبر برای از بین بردن انقلاب، هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید، فورا او را کمونیست و التقاطی می‌خوانند از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت، و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید. آمریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، مقدس‌نماها را، که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام. اینان با تزویرشان از درون، محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. اینها با قیافه‌ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت، همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شرّ این‌ها به خدا پناه ببریم و همچنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هر چه روحانی و عالم است حمله می‌کنند و اسلام آن‌ها را اسلام آمریکایی معرفی می‌نمایند، راهی بس خطرناک را می‌پویند

که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می شود. ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد.

### ❧ جنگ عقیده

امروز جهان تشنه‌ی فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی، رونق و زرق و برق کاخ‌های سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه‌ی خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپ‌ها و موشک‌های دشمنان باز کرده است و همچون همه‌ی عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می کند. جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی شناسد و ما باید در جنگ اعتقادیمان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. انشاءالله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختی‌های جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می کند. و چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر آمریکا فرود آمده است. چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت ایران سقوط ارکان و کنگره‌های نظام ستم‌شاهی را نظاره کرده است و شیشه‌ی حیات آمریکا را در این کشور شکسته است و چه شیرینی بالاتر از اینکه مردم عزیزمان ریشه‌های نفاق و ملی گرایی و التقاط را خشکانیده اند و انشاءالله شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید. نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته اند، بلکه آن‌هایی که در پشت جبهه با نگاه محبت بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده اند از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده‌اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین - علیه السلام!

### ❧ معنای شهادت

اذناب آمریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است. نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی اینها خیالات باطل ملی گراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است. ملی گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین الملل اسلامی در جهان، فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم لا اله الا الله را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. پس ای

فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی‌ام، و ای نیروهای مردمی، هرگز از دست دادن موضعی را با تأثر، و گرفتن مکانی را، با غرور و شادی، بیان نکنید که این‌ها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت. پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسراء، مفقودین، و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده اند کم نشده است. فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهار (علیهم السلام) اند. پیروزی و شکست برای آن‌ها فرقی ندارد. امروز روز هدایت نسل‌های آینده است. کمربند هاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا اینگونه خواسته است و دیروز خدا آنگونه خواسته بود و فردا انشاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم و ما تابع امر خداایم، و به همین دلیل طالب شهادتیم و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیرخدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. همه می‌دانند که ما شروع کننده جنگ نبوده ایم. ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان تنها از خود دفاع کرده ایم. و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله جهانخواران بوده است، و استکبار از همه‌ی کمین‌گاه‌های سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده است. انقلاب اسلامی ما تاکنون کمین‌گاه شیطان و دام صیادان را به ملت‌ها نشان داده است. جهانخواران و سرمایه‌داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم. و حال آنکه این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صدا زنیم که ای خواب‌رفتگان! ای غفلت‌زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! آمریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند، و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت.

### 🕋 نوبت ما هم می‌رسد...

راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرات این همه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - داشت؟ امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگ‌ترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی آمریکا و اروپا در خلیج فارس صف‌آرایی نمود. و اینجانب به نظام‌های آمریکایی و اروپایی اخطار می‌کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرونرفته‌اید، از خلیج فارس بیرون روید. و همیشه اینگونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای

جنگی شما سرنگون شود، که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آب های خلیج فارس بفرستند. به دولت ها و حکومت های منطقه، خصوصا به عربستان و کویت می گویم که همه شما در ماجراجویی ها و جنایاتی که آمریکا می آفریند شریک جرم خواهید بود و ما تا به حال از اینکه همه ی منطقه در کام آتش و خون و بی-ثباتی کامل غوطه ور نشود، دست به عملی نزده ایم. ولی حرکات جنون آمیز ریگان مطمئنا حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید، بازنده اید. خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر آمریکا اینقدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لاقل آزاده باشید. بحمدالله از برکت انقلاب اسلامی ایران، دریچه های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است، و می رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه مستکبران فرو ریزد. نکته مهمی که همه ی ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه ی هویت ها و ارزش های معنوی و الهی مان نمی شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند.

## تقابل با غرب و شرق

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست ها و آمریکا و شوروی در تعقیب مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمایند. بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می دهند، و با دلسوزی های بی مورد و اعتراض های کودکانه می گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنی ها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادیشان افتاده است! که چه خوب است به این سؤال پاسخ داده شود که ملت های جهان سوم و مسلمانان، و خصوصا ملت ایران، در چه زمانی نزد غربی ها و شرقی ها احترام و اعتبار داشته اند که امروز بی اعتبار شده اند! آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه ی عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین -علیهم السلام- را با دست های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند، ولی در همان حدی که آن ها آقا باشند و ما نوکر، آن ها با قدرت باشند ما ضعیف، آنها ولی و قیم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آن ها، نه یک ایران با هویت ایرانی - اسلامی، بلکه ایرانی که شناسنامه اش را آمریکا و شوروی صادر کند، ایرانی که آرایه سیاست آمریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه ی مصیبت و عزای آمریکا و

شوروی، شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می کند. کنترل و حذف سلاح های مخرب از جهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته ی همه ملت هاست، ولی این نیز یک فریب قدیمی است و این همان چیزی است که اخیراً از گفته های سران آمریکا و شوروی و نوشته های سیاسیون آن ها آشکار گردیده است که مراودات اخیر سران شرق و غرب به خاطر مهار بیشتر جهان سوم و در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابرنه ها و محرومین در جهان مالکیت های بی حد و مرز سرمایه داران است. ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود، و آقایی و سروری محرومین و پابرنه گان جهان جشن گرفته شود. مطمئن باشید قدرت های شرق و غرب همان مظاهر بی محتوای دنیای مادی اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزش های معنوی قابل ذکر نمی باشند. من به صراحت اعلام می کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تامین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش های مبارزه علیه نظام های کفر و شرک آشنا می سازد.

### ❧ و اما قطعنامه...

و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه ی دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم، و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم، ولی به واسطه ی حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر

تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم، و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه‌ی ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود. اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم و مسلم، ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود. من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه های آتش و خون، که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم و همه‌ی ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می‌کنم.

در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خون‌ها و شهادت‌ها و ایثارها چه شد؟ این‌ها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بی‌خبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است، حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه ای وارد نمی‌سازد و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدان مان فاصله طولانی را باید پیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلم، خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد، درس مقاومت به جهانیان داده است و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست، و این ملت‌ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آن‌هایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند! خداوند، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوند، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه اند و نیازمند به مشعل شهادت، تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آن‌هایی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی تفاوت، و یا انتقادکننده و پر خاشگر گذشتند!

## ❧ جنگی که بود، جنگی که هست

آری، دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت، و فردا امتحان دیگری است که پیش می‌آید و همه‌ی ما نیز روز محاسبه‌ی بزرگتری را در پیش رو داریم. آن‌هایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند، مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته‌اند، و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید. که من مجدداً به همه‌ی مردم و مسئولین عرض می‌کنم که حساب اینگونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند، و نگذارند این مدعیان بی‌هنر امروز و قاعدین کوتاه نظر دیروز به صحنه‌ها برگردند. من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند. اکیدا به ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربه تبلیغات جهانخواران علیه ما، کند شده است، ولی دورنمای حوادث را نمی‌توان به طور قطع و جدی پیش بینی نمود و هنوز دشمن از شرارت‌ها دست برنداشته است، و چه بسا با بهانه جویی‌ها به همان شیوه‌های تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم و ملت ما هم نباید فعلاً مسئله را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام می‌کنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه‌ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کید و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما، که در طول سال‌های جنگ و مبارزه، ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده‌اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه‌ها و شکل‌های مختلف را جدی تر بدانند و فعلاً چون گذشته، تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه‌ها برای دفاع در برابر شیطن استکبار و عراق به مأموریت‌های خود ادامه دهند. در صورتی که این مرحله از حادثه انقلاب را با همان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاریم برای بعد از آن و سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهیم گفت. ولی در مقطع کنونی به طور جد، از همه گویندگان و دست‌اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه‌ها و مطبوعات می‌خواهم که خود را از معرکه‌ها و معرکه‌آفرینی‌ها دور کنند، و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه‌های تند نگردند، و با سعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند.

## جام زهر

در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. چه بسا آن‌هایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه‌گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح‌طلبی به ظاهر دم می‌زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده دیگری را مطرح نمایند، و جیره خواران استکبار، همان‌ها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند و ملی‌گراهای بی‌فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که انشاءالله ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه‌ی فتنه‌ها را خواهد داد. من باز می‌گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است. ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعهنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است. مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم و شما می‌دانید که من به شما عشق می‌ورزم و شما را می‌شناسم، شما هم مرا می‌شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد، تکلیف الهی‌ام بود. شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم، اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم و اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام. عزیزانم، شما می‌دانید که تلاش کرده‌ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم. خداوند، تو می‌دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم. خداوند، تو می‌دانی که استکبار و آمریکای جهان‌خوار گل‌های باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوند، در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه‌گاه ما تویی، و ما تنهای تنهایییم و غیر از تو کسی را نمی‌شناسیم و غیر از تو نخواسته‌ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن، که تو بهترین یاری‌کنندگانی. خداوند، تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیه‌الله - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء- و رسیدن به خودت جبران فرما. فرزندان انقلابی‌ام، ای کسانی که لحظه‌ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می‌گذرد. می‌دانم که به شما سخت می‌گذرد، ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی‌گذرد؟ می‌دانم که شهادت شیرین‌تر از غسل در پیش شماست، مگر برای این خادم‌تان اینگونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه انقلابی‌تان را در سینه‌ها نگه دارید، با غضب و خشم بر

دشمنان تان بنگرید و بدانید که پیروزی از آن شماست و تاکید می‌کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می‌باشند. آن‌ها را از این تصمیمی که گرفته‌اند شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است که انشاءالله خداوند همه ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید. من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گل‌های معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید، و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.

### ❁ ویژگی های رهبران دینی

و من به همه مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید، و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید، و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبدا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرت‌ها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها بت بتراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته‌ایم آن همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفت‌ها داشته باشیم. انشاءالله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم. مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیت‌ها و حقیقت‌هاست و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه ام به جوانان عرض می‌کنم این است که در مسیر ارزش‌ها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید، و هیچگاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی‌نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت‌ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسل‌ها همت گماشته‌اند و همیشه پیشتاز و

سپر بلای مردم بوده‌اند، بر بالای دار رفته‌اند و محرومیت‌ها چشیده‌اند، زندان‌ها رفته‌اند و اسارت‌ها و تبعیدها دیده‌اند، و بالاتر از همه، آماج طعن‌ها و تهمت‌ها بوده‌اند، و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یاس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده‌اند، و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردم اند، و در هر حادثه غم بار و مصیبت آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده‌اند. **در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی-علیهم السلام- و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات و کینه‌ها گردند و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است.** مسئولیت‌پذیری در کشوری که با محاصره‌ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاری‌های بیشتر آماده کنند، و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می‌شناسد، و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یک کلمه خلاصه می‌کند. علما و روحانیون متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی‌کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته‌ها و صحبت‌ها هر وقت نام روحانیت را به میان آورده‌ام و از آنان قدردانی نموده‌ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است، که در هر قشری ناپاک و غیرمتعهد وجود دارد. و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیشتر است و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده‌اند، و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس مآب و دین فروش زده‌اند و می‌زنند و روحانیون متعهد ما همواره از این بی‌فرهنگ‌ها متنفر و گریزان بوده‌اند. من به صراحت می‌گویم **ملی‌گراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختی‌ها و تنگناها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می‌کردند، و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه‌های صبر و مقاومت را یک جا می‌شکستند و به همه میثاق‌ها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می‌زدند.** کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان‌خواران را نمی‌دانیم. ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آن‌ها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده‌ها و حسادت‌های خود را نمی‌توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزا گیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی

نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است. که اگر بندگان استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم. علما و روحانیون انشاءالله به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خود آشنا هستند ولی از باب تذکر و تاکید عرض می‌کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرف‌های آنان را بشنوند و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آن‌ها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگ‌التقاط و انحراف بر نوشته‌هایشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. این‌ها که امروز اینگونه مسائل را عنوان می‌کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد، و الا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همانگونه‌ای است که خود فکر می‌کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آنها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مایوس نشوید. در غیراین صورت خدای ناکرده به دام لیبرال‌ها و ملی‌گراها و یا چپ و منافقین می‌افتند، و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم، و به همه شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم.

### ❧ جایگاه روحانیت

فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیرحوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت‌ها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد. نکته دیگر اینکه من اکثر موفقیت‌های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می‌دانم و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند.

چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزی های بی مورد، مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند، و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه داری و سرمایه داران متهم نمایند. در این شرایط حساس و سرنوشت سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوءاستفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید به شدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمان ها و انجمن ها و تشکیلات سیاسی و غیر آن ها با ظاهری صد در صد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند، و حتی علاوه بر تامین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند. البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پا برهنه هاست، چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده دار این مسئولیت بزرگ بدانیم و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده ایم.

در خاتمه، از پیشگاه مقدس پروردگار، که الطاف بیکران خود را بر این ملت ارزانی داشته است، تشکر و قدردانی می کنم و از محضر مقدس بقیةالله - ارواحنا فداه - عاجزانه می خواهیم که ما را در مسیر و هدف مان مدد و رهبری فرماید. خداوند متعال به خانواده های شهدا صبر و اجر، و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید، و اسرا و مفقودین را به وطن خویش باز گرداند. خداوندا، از تو می خواهیم آنچه را مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمایی.

انک قریب مجیب

والسلام علیکم و رحمۃالله و برکاته

پنجم ذیحجه ۴۰۸ - ۶۷/۴/۲۹



آن‌هایی هم که تصور می‌کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد، با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند، آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. و تنها آن‌هایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت، گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم... کمربند هاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا اینگونه خواسته است و دیروز خدا آنگونه خواسته بود و فردا انشاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود...



بعد از مطالعه، این جزوه را به دست دیگر هم جبهه ای ها برسانید!  
همچنین می‌توانید فایل جزوات را از پایگاه اینترنتی قرارگاه شهید باقری  
(q-b.ir) دریافت و به نام تشکل خودتان چاپ کنید.



قرارگاه شهید باقری بسیج دانشجویی